فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال نهم، شماره ۲ (پیاپی: ۳۴)، تابستان ۱۴۰۴

اهمیت نقش آمریکا در حفظ حیات و امنیت اسرائیل

محمد امین سپهوند [۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰
کد مقاله: ۲۹۶۷۷

چکـیده

رابطه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل یکی از استوارترین و بحث‌برانگیزترین روابط دوجانبه در سیاست بین‌الملل معاصر است. حمایت ایالات متحده از اسرائیل، چه در قالب کمک‌های اقتصادی و نظامی و چه از منظر دیپلماتیک و راهبردی، به یکی از مؤلفه‌های پایدار سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بدل شده است. پژوهش حاضر با تکیه بر اسناد رسمی، تحلیل‌های مؤسسات پژوهشی معتبر و نظریه‌های روابط بین‌الملل، به بررسی نقش ایالات متحده در حفظ حیات و امنیت اسرائیل می‌پردازد. در این مطالعه، تلاش می‌شود تا ضمن شناسایی عوامل مؤثر در این اتحاد راهبردی، ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ایدئولوژیک این رابطه واکاوی شود. نتایج حاکی از آن است که سیاست‌های ایالات متحده در قبال اسرائیل نه‌تنها تابعی از ملاحظات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای هستند، بلکه عمیقاً متأثر از ساختار سیاسی داخلی آمریکا و نفوذ نهادهایی چون AIPAC می‌باشند.

واژگـان کلـیدی: اسرائیل، ایالات متحده آمریکا، سیاست خارجی، امنیت ملی، روابط استراتژیک، لابی سهیونیستی، خاورمیانه.

۱- نویسنده مسئول، ایمیل: for.darya@yahoo.com

۱- مقدمه

رابطه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل یکی از پویاترین، مناقشه‌برانگیزترین و در عین حال پایدارترین روابط استراتژیک در نظام بین‌الملل معاصر است. این رابطه نه تنها نشانگر پیوندهای راهبردی میان یک قدرت جهانی و یکی از بازیگران منطقه‌ای خاورمیانه است، بلکه بازتاب‌دهنده منافع ساختاری و ایدئولوژیکی عمیق میان دو بازیگر است که بیش از هفت دهه با یکدیگر در تعامل بوده‌اند. از سال ۱۹۴۸ که رژیم اسرائیل تأسیس شد، ایالات متحده به‌عنوان اولین کشور به رسمیت‌شناسنده این رژیم، نقشی کلیدی در تثبیت و بقای آن ایفا کرده است [۲۳].

بقای اسرائیل از منظر ایالات متحده، نه صرفاً مسئله‌ای ایدئولوژیک، بلکه یک ضرورت ژئوپلیتیکی در بستر رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی به شمار می‌رود. ایالات متحده از منظر راهبردی، اسرائیل را دژ مستحکمی در برابر تهدیدات منطقه‌ای، به‌ویژه در مقابله با نفوذ شوروی در دوران جنگ سرد، و پس از آن جمهوری اسلامی ایران، گروه‌های مقاومت مانند حزب‌الله و حماس، و ناآرامی‌های داخلی کشورهای عربی دانسته است. این نگرش موجب شده تا آمریکا سالانه میلیاردها دلار کمک نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی به اسرائیل اختصاص دهد، در شورای امنیت از آن حمایت کند و سیاست خارجی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که امنیت و برتری اسرائیل در منطقه تضمین شود [۴].

از سوی دیگر، تأثیر عمیق لابی صهیونیستی در سیاست داخلی ایالات متحده، به‌ویژه در کنگره و رسانه‌ها، عاملی تعیین‌کننده در تداوم این رابطه بوده است. به گفته مایکل وولت و جان میرشایمر، "لابی اسرائیل یکی از مؤثرترین گروه‌های فشار در سیاست خارجی آمریکاست که توانسته جهت‌گیری سیاست‌های ایالات متحده را به‌سوی حمایت بدون قید و شرط از اسرائیل سوق دهد " [۲۰]. این حمایت حتی در مواقعی که اقدامات اسرائیل با قوانین بین‌المللی یا ارزش‌های دموکراتیک آمریکا در تعارض بوده، همچنان تداوم یافته است.

در سطح بین‌المللی، این رابطه بر توازن قدرت در خاورمیانه تأثیرگذار بوده و نقشی مهم در شکل‌دهی به بحران‌های امنیتی، رقابت‌های تسلیحاتی، و مداخلات نظامی بازی کرده است. اسرائیل، با اتکا به حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا، نه تنها در جنگ‌های متعدد منطقه‌ای پیروز شده، بلکه برنامه‌های نظامی و تسلیحاتی خود را نیز بدون نگرانی از تحریم یا فشار بین‌المللی گسترش داده است [۸].

نکته قابل تأمل این است که رابطه آمریکا و اسرائیل فراتر از سطح دولت‌ها به یک اتحاد راهبردی ساختاری تبدیل شده است؛ اتحادی که در آن امنیت اسرائیل، بخشی از منافع امنیت ملی آمریکا تعریف می‌شود. در چنین فضایی، سیاست‌گذاران آمریکایی نه فقط به‌دلیل نفوذ لابی صهیونیستی، بلکه بر اساس تحلیل‌های راهبردی از ضرورت تداوم برتری اسرائیل در خاورمیانه، حمایت از این رژیم را توجیه‌پذیر می‌دانند [۱۶].

این مقاله با هدف بررسی علمی و مستند این رابطه استراتژیک، تلاش دارد با تمرکز بر ابعاد امنیتی، سیاسی و اقتصادی، نقش ایالات متحده را در حفظ حیات و امنیت اسرائیل تحلیل کند. پرسش اصلی این است که آیا رابطه آمریکا با اسرائیل نتیجه یک اتحاد راهبردی صرف است یا حاصل فشارهای ایدئولوژیک و منافع خاص داخلی در ساختار قدرت ایالات متحده؟ همچنین، مقاله در پی واکاوی این نکته است که این رابطه چه تأثیری بر امنیت منطقه‌ای و بی‌ثباتی در خاورمیانه داشته و چه پیامدهایی برای نظام بین‌الملل داشته است.

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل بیش از هفت دهه است که رابطه‌ای استراتژیک و پیچیده دارند که نه تنها در منطقه خاورمیانه، بلکه در نظام بین‌الملل نیز تاثیرات عمیقی بر جای گذاشته است. این رابطه، که از حمایت سیاسی و دیپلماتیک آغاز شد، در طول زمان به روابط گسترده نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی بدل گردید و اسرائیل را به یکی از قدرتمندترین بازیگران منطقه‌ای تبدیل کرد.

در حالی که اکثر کشورهای منطقه و جامعه جهانی، اسرائیل را به‌عنوان رژیمی اشغالگر و ناقض حقوق فلسطینیان می‌شناسند، ایالات متحده نه تنها به رسمیت شناختن آن پرداخت، بلکه به یکی از اصلی‌ترین حامیان آن تبدیل شد [۵]. این حمایت بدون وقفه و حتی در مواردی که اسرائیل قوانین بین‌المللی را نقض کرده است، ادامه یافته است که این موضوع سوالات اساسی درباره ماهیت و دلایل این رابطه ایجاد می‌کند.

روابط ویژه ایالات متحده آمریکا با رژیم صهیونیستی، از دیرباز یکی از پدیده‌های بحث‌برانگیز در روابط بین‌الملل به‌ویژه در منطقه خاورمیانه بوده است. این روابط که از ابتدا در قالب حمایت سیاسی و دیپلماتیک شکل گرفت، به‌مرور وارد حوزه‌های گسترده‌تری از جمله کمک‌های نظامی، اطلاعاتی، تکنولوژیکی و اقتصادی شد. در حال حاضر، ایالات متحده سالانه بیش از ۳/۸ میلیارد دلار کمک مستقیم نظامی به اسرائیل اختصاص می‌دهد که بالاترین سطح کمک آمریکا به هر کشور دیگری در جهان است[۲۷]. این در حالی است که این سطح از حمایت، حتی در مواقعی که اقدامات اسرائیل با حقوق بین‌الملل یا قطعنامه‌های سازمان ملل در تعارض بوده نیز ادامه داشته است.

این پرسش بنیادی مطرح می‌شود که چگونه و چرا ایالات متحده تا این حد به بقای رژیمی متعهد است که در بسیاری از موارد با اصول اعلامی سیاست خارجی خود، از جمله دفاع از حقوق بشر، صلح جهانی و قوانین بین‌المللی، در تعارض است؟ چه عوامل ساختاری، تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی باعث شده‌اند که امنیت و موجودیت اسرائیل، بخشی جدایی‌ناپذیر از منافع راهبردی ایالات متحده تلقی شود؟ آیا این حمایت صرفاً برخاسته از منطق موازنه قدرت در منطقه است، یا نتیجه نفوذ ساختاری نهادهایی مانند لابی آیپک و جریان‌های ایدئولوژیک درون ساختار سیاسی آمریکاست؟

پاسخ به این سؤالات به‌ویژه در شرایط امروز، که منطقه خاورمیانه با بحران‌های متعددی چون جنگ غزه، پرونده هسته‌ای ایران، و رقابت‌های جدید جهانی مواجه است، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. از طرفی، تداوم حمایت ایالات متحده از اسرائیل نه تنها بر توازن قدرت در منطقه اثرگذار است، بلکه بر اعتبار و مشروعیت جهانی آمریکا نیز سایه افکنده و واکنش‌های سیاسی، رسانه‌ای و مردمی بسیاری را در سطح بین‌المللی به همراه داشته است [۱۴]. هدف اصلی ما در این پژوهش تحلیل و تبیین نقش ایالات متحده آمریکا در حفظ موجودیت و امنیت رژیم اسرائیل با تأکید بر ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ایدئولوژیک می باشد که در ادامه به مباحثی در این رابطه می پردازیم.

۲- مبانی نظری

۲-۱- تعریف نظریه‌ها و چارچوب‌های اصلی در روابط بین‌الملل

نظریه‌های روابط بین‌الملل، چارچوب‌هایی هستند که به تحلیل و تبیین رفتار کشورها و بازیگران در نظام بین‌الملل کمک می کنند. در پژوهش حاضر، به‌ویژه نظریه‌های واقع‌گرایی، نوواقع‌گرایی، و سازه‌انگاری مورد توجه قرار می‌گیرند، چرا که هرکدام می توانند به درک بهتر روابط پیچیده آمریکا و اسرائیل و منافع راهبردی در خاورمیانه کمک کنند.

۲-۲ نظریه واقع‌گرایی[1]

واقع‌گرایی یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل است که تأکید بر منافع ملی، قدرت و امنیت دارد. این نظریه معتقد است که نظام بین‌الملل آنارشی (بدون حاکم مرکزی) است و دولت‌ها برای حفظ امنیت خود به دنبال افزایش قدرت و موازنه قوا هستند[۳۳]. از دید واقع‌گرایان، حمایت آمریکا از اسرائیل ناشی از منافع راهبردی است. اسرائیل به عنوان یک شریک استراتژیک در منطقه‌ای پرتنش به آمریکا کمک می‌کند تا نفوذ خود را در خاورمیانه حفظ کرده و منابع انرژی و مسیرهای حیاتی را کنترل کند. همچنین، اسرائیل نقش یک"مهره راهبردی" در رقابت با قدرت‌های رقیب، مانند ایران و روسیه ایفا می‌کند. به بیان دقیق‌تر، طبق نظریه واقع‌گرایی، آمریکا حمایت خود از اسرائیل را به عنوان تضمینی برای حفظ قدرت و نفوذ خود در منطقه و مقابله با تهدیدات امنیتی می‌داند [۳۳].

۲-۳ نظریه نوواقع‌گرایی[2]

نوواقع‌گرایی که توسط کندرات واکرزال و کنت والتز مطرح شد، تفاوت اصلی خود با واقع‌گرایی کلاسیک را در تمرکز بیشتر بر ساختار نظام بین‌الملل و نقش آن در تعیین رفتار دولت‌ها می‌داند. این نظریه تأکید دارد که در نظام بین‌الملل، ساختار آنارشی و توزیع قدرت باعث می‌شود دولت‌ها به دنبال تضمین بقاء خود باشند. در این چارچوب، حمایت آمریکا از اسرائیل نه تنها به منافع راهبردی مستقیم مرتبط است، بلکه به دلیل ساختار تهدیدات در خاورمیانه و رقابت قدرت‌ها، یک ضرورت ساختاری است. اسرائیل به عنوان قدرتی متکی به غرب، به تثبیت منافع آمریکا کمک می‌کند و مانع از افزایش نفوذ کشورهای رقیب می‌شود.

۲-۴ نظریه سازه‌انگاری[3]

سازه‌انگاری برخلاف واقع‌گرایی، تأکید بر نقش هنجارها، هویت‌ها و باورها در شکل‌دهی رفتار بازیگران بین‌المللی دارد. از این منظر، حمایت آمریکا از اسرائیل نه صرفاً بر اساس منافع مادی و قدرت، بلکه بر پایه باورهای مشترک دینی، فرهنگی و سیاسی شکل گرفته است. به عنوان مثال، حمایت قوی جامعه یهودیان آمریکایی، ارزش‌های دموکراتیک مشترک، و هم‌راستایی ایدئولوژیک باعث شده است که رابطه آمریکا و اسرائیل فراتر از منافع صرفاً مادی باشد. همچنین، روایت‌های تاریخی و هویت‌های ملی، به تثبیت و تعمیق این اتحاد کمک کرده‌اند [۶].

---

1 Realism

2 Neorealism

3 Constructivism

۲-۵-چارچوب مفهومی پژوهش

پژوهش حاضر چارچوب تحلیلی خود را بر تلفیق سه نظریه اصلی واقع‌گرایی، نوواقع‌گرایی و سازه‌انگاری بنا می‌کند. این تلفیق امکان می‌دهد که هم ابعاد ساختاری و امنیتی رابطه آمریکا و اسرائیل تحلیل شود، هم نقش عوامل هویتی، ایدئولوژیک و اجتماعی در این رابطه مدنظر قرار گیرد.

۳- پیشینه پژوهش‌های داخلی

محمودی، محمدرضا؛ شریفی، ناصر (۱۴۰۰)، در نشریه فصلنامه راهبرد دفاعی با عنوان کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل و تأثیر آن بر توازن قدرت در خاورمیانه، با روش تحقیق تحلیل اسنادی و تطبیقی؛ نویسنده تفاوت رویکردهای دو حزب اصلی آمریکا را نسبت به مسئله اسرائیل بررسی می‌کند، اما بر استمرار حمایت استراتژیک آمریکا فارغ از جناح‌بندی سیاسی تأکید دارد. نتیجه‌گیری در این پژوهش به گونه ای بود که کمک‌های ایالات متحده موجب برتری راهبردی اسرائیل در برابر محور مقاومت شده است [۳].

کریمی، سحر؛ محمدی، علی (۱۳۹۸)، در نشریه فصلنامه سیاست خارجی با عنوان جایگاه اسرائیل در راهبرد امنیت ملی ایالات متحده، با روش تحقیق تحلیل محتوا و مصاحبه با کارشناسان سیاست بین‌الملل و تحلیل سیاستگذاری، که در این پژوهش بر نفوذ لابی آیپک در تصمیمات کلان سیاست خارجی آمریکا تمرکز دارد و از منظر نظریه نهادگرایی به بررسی آن پرداخته است. نتیجه‌گیری این پژوهش به این شرح است: اسرائیل بخشی از ساختار امنیتی ایالات متحده در خاورمیانه است [۲]. باقری، سید هاشم؛ ساعی، علی (۱۳۹۵)، در نشریه با عنوان فصلنامه مطالعات آمریکای شمالی، با روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی، که در آن به سیاست خارجی ایالات متحده در قبال اسرائیل را در سه مقطع تاریخی (پس از جنگ شش‌روزه، پس از جنگ سرد و پس از یازده سپتامبر) بررسی کرده و به نقش برجسته اسرائیل در استراتژی منطقه‌ای آمریکا پرداخته است. نتیجه‌گیری این مقاله به این صورت بود که، AIPAC و دیگر لابی‌های یهودی نقش مستقیم در تنظیم بودجه‌های حمایتی از اسرائیل دارند [۱].

جاناتان شانزر (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان اتحاد آمریکا و اسرائیل: تقویت برتری نظامی کیفی اسرائیل، در مقاله ای با روش تحقیق تحلیل اسناد و سیاست‌های دفاعی به بررسی آن پرداخته است. این مقاله که در مؤسسه «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» منتشر شده است، نشان می‌دهد که سیاست آمریکا در حفظ برتری نظامی کیفی (QME) اسرائیل نه تنها ادامه دارد بلکه در دوره ریاست جمهوری بایدن نیز تقویت شده است. آنها به این نتیجه‌گیری دست پیدا می کنند که اسرائیل به عنوان سنگر راهبردی آمریکا، حمایت دائمی و فراتر از نیازهای معمول دریافت می‌کند [۲۶]. مایکل کاپلو (۲۰۲۰)، در مقاله ای با عنوان جایگاه مرکزی اسرائیل در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، با روش تحقیق تحلیل محتوای سیاست خارجی ایالات متحده در دوره ترامپ به انجام این مقاله پرداخته است. این مقاله که در اندیشکده «فروم سیاست اسرائیل» منتشر شده است، سیاست‌های کلان آمریکا را در محور امنیت اسرائیل، انتقال سفارت آمریکا به قدس و عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل (توافقات ابراهیم) بررسی می‌کند. آنها به این نتیجه‌گیری دست پیدا می کنند که امنیت اسرائیل به عنوان محور ثبات در سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده تعریف شده است [۱۸].

نوح فلدمن (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان چرا آمریکا همیشه از اسرائیل حمایت خواهد کرد با روش تحقیق تحلیل تاریخی–سیاسی ساختار حقوقی و سیاسی آمریکا به انجام این پژوهش پرداخته است. این مقاله تحلیلی که در «بلومبرگ اپینین» منتشر شده است، نشان می‌دهد که حمایت آمریکا از اسرائیل ریشه در ساختار سیاسی داخلی، لابی‌های سازمان‌یافته و همگرایی ایدئولوژیک دارد.حتی تغییر دولت‌ها درآمریکا نیز باعث کاهش حمایت از اسرائیل نمی‌شود [۱۲].

۴- روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی – تحلیلی است؛ زیرا در پی تبیین نقش ایالات متحده در حفظ امنیت و حیات سیاسی اسرائیل و تحلیل عوامل مؤثر بر این رابطه راهبردی است که می‌تواند در سیاست‌گذاری منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. از نظر ماهیت و روش، پژوهش توصیفی – تحلیلی و از نوع مطالعات کیفی است، چون بر پایه اسناد، منابع کتابخانه‌ای، گزارش‌های رسمی، و تحلیل گفتمان سیاسی عمل می‌کند. داده‌ها و اطلاعات لازم برای این پژوهش از طریق روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بررسی منابع علمی شامل: کتاب‌ها، مقالات علمی پژوهشی، پایان‌نامه‌ها با استفاده از فیش‌برداری الکترونیکی جمع‌آوری شده‌اند.

۵- تجزیه و تحلیل

۵-۱- سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه با تمرکز بر پیوند استراتژیک آن با امنیت اسرائیل

سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه را نمی‌توان بدون توجه به جایگاه راهبردی اسرائیل در این منطقه فهم کرد. درواقع، امنیت اسرائیل یکی از مؤلفه‌های بنیادین استراتژی بلندمدت آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شود. این استراتژی ریشه در ترکیبی از عوامل ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیک، و منافع اقتصادی و نظامی دارد. ایالات متحده تلاش کرده با تقویت اسرائیل، ائتلاف‌سازی منطقه‌ای، مهار بازیگران مخالف (ایران، سوریه، گروه‌های مقاومت) و تأمین جریان انرژی، ساختار نظم مطلوب خود را در این منطقه تثبیت کند [۲۰].

۵-۱-۱ پیوند ژئوپلیتیکی میان آمریکا و اسرائیل

ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم به این نتیجه رسید که حفظ منافعش در منطقه نفت‌خیز و بحرانی خاورمیانه، نیازمند داشتن یک متحد پایدار، قابل اتکا و هم‌سو با ارزش‌های لیبرال‌دموکراتیک است. اسرائیل در چنین جایگاهی قرار گرفت؛ دولتی کوچک اما با قدرت نظامی بالا، دسترسی به فناوری پیشرفته و انگیزه‌ی بالای بقا، که حاضر بود در برابر تهدیدات منطقه‌ای، سد امنیتی آمریکا شود [۱۰].

از منظر نظریه رئالیسم تهاجمی، اسرائیل در سیاست آمریکا، به‌مثابه‌ی قدرت نیابتی (proxy power) عمل می‌کند تا مانع نفوذ رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند ایران، روسیه و چین شود. حضور نظامی آمریکا در پایگاه‌هایی مانند پایگاه العدید قطر، پایگاه ناوگان پنجم در بحرین، و همکاری گسترده اطلاعاتی با اسرائیل در همین چارچوب معنا می‌گیرد [۱۸].

هرگاه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه گسترش یافته، هم‌زمان حمایت نظامی آمریکا از اسرائیل شدت گرفته است؛ از جمله پس از ۲۰۱۱ (بحران سوریه)، ۲۰۱۴ (جنگ غزه)، و ۲۰۲۳ (درگیری‌های غزه و جنوب لبنان).

۵-۱-۲ مهار هلال شیعی و نقش اسرائیل در استراتژی مهار

یکی از دکترین‌های امنیتی که در دو دهه گذشته بر سیاست آمریکا سایه انداخته، دکترین مهار ایران است. از نگاه واشنگتن، تشکیل «هلال نفوذ شیعی» از تهران تا بیروت (از طریق عراق، سوریه، و لبنان) تهدیدی برای امنیت اسرائیل و متحدان عرب محسوب می‌شود[۱۲]. بنابراین، حفظ اسرائیل به‌مثابه «خط مقدم» در برابر این هلال، به مؤلفه کلیدی سیاست خارجی آمریکا بدل شده است. در بحران سوریه، اسرائیل بارها از طریق حملات هوایی به مواضع ایرانی در سوریه و لبنان، تلاش کرده توازن قوا را حفظ کند. این حملات، با پوشش امنیتی آمریکا همراه بوده است.

همچنین تحریم‌های شدید علیه ایران (از جمله خروج از برجام در ۲۰۱۸)، به‌طور مستقیم با فشارهای اسرائیل و لابی آیپک بر دولت ترامپ پیوند داشت [۲۵].

۵-۱-۳ اتحادهای جدید و نظم‌سازی منطقه‌ای از طریق اسرائیل

در دهه اخیر، آمریکا تلاش کرده با استفاده از اسرائیل به‌عنوان عامل هم‌گرایی منطقه‌ای، نظم نوین خاورمیانه‌ای خلق کند. نمونه آن، توافق‌نامه‌های ابراهیم (۲۰۲۰) است که با حمایت کامل آمریکا، عادی‌سازی روابط اسرائیل با امارات، بحرین، مراکش و سودان را رقم زد. از منظر لیبرالیسم نهادی، این عادی‌سازی‌ها نوعی «صلح از بالا» هستند که با حمایت ساختارهای امنیتی آمریکا و انگیزه اقتصادی دولت‌های عربی شکل گرفته‌اند. اسرائیل از طریق این روند، هم امنیت بیشتری کسب کرده و هم مشروعیت بین‌المللی‌اش تقویت شده است[۲۱].

۵-۱-۴ حمایت‌های دیپلماتیک و حقوقی از اسرائیل در سازمان‌های بین‌المللی

آمریکا به‌طور مداوم از حق وتوی خود در شورای امنیت برای جلوگیری از تصویب قطعنامه‌هایی علیه اسرائیل استفاده کرده است. در دوره ترامپ، حتی سازمان یونسکو و شورای حقوق بشر سازمان ملل ترک شدند تا اعتراضات علیه اقدامات اسرائیل (خصوصاً در فلسطین) خنثی گردد. تنهادربازه ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳، بیش از ۴۵ بار آمریکا از وتو برای حفظ منافع اسرائیل استفاده کرده است [۳۱].

جدول ۱- گزیده‌ای از مؤلفه‌های حمایت آمریکا از اسرائیل در سیاست خاورمیانه [۳۱]

تحلیل نظری	نمونه عینی	مؤلفه
رئالیسم (حفظ برتری نظامی)	MoU 2016؛ سالانه ۳/۸ میلیارد دلار	کمک نظامی
رئالیسم/ سازه‌انگاری	45 وتو در شورای امنیت	حمایت دیپلماتیک
لیبرالیسم نهادی	توافق‌نامه‌های ابراهیم	اتحادسازی منطقه‌ای
رئالیسم تهاجمی	تحریم‌ها، فشار بر برجام	مقابله با ایران

۵-۲ جایگاه اسرائیل در سیاست ایالات متحده آمریکا تحلیل نقش‌محور، تاریخی و استراتژیک

رابطه میان ایالات متحده و اسرائیل یکی از عمیق‌ترین، پایدارترین و از نظر سیاسی و راهبردی، حساس‌ترین روابط دوجانبه در سیاست جهانی است. جایگاه اسرائیل در سیاست خارجی و داخلی ایالات متحده، فراتر از یک اتحاد عادی است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از تحلیل‌گران، از نوعی رابطه وابستگی متقابل نامتقارن سخن گفته‌اند، که در آن اسرائیل اگرچه از نظر نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک به آمریکا متکی است، اما درعین‌حال توانسته جهت‌گیری‌های مهمی را نیز در سیاست داخلی و خارجی آمریکا شکل دهد[۲۳].

۵-۲-۱ نقش آمریکا در شکل‌گیری و به‌رسمیت شناختن اسرائیل

ایالات متحده نخستین کشوری بود که در ۱۴ مه ۱۹۴۸، تنها یازده دقیقه پس از اعلام استقلال اسرائیل، آن را به‌رسمیت شناخت[۲۹]. این اقدام، تنها یک تصمیم نمادین نبود، بلکه آغازگر یک پروژه ژئوپلیتیکی بلندمدت بود که اسرائیل را به مهره اصلی آمریکا در خاورمیانه تبدیل کرد.

نقش لابی‌ها، گروه‌های انجیلی و فشارهای سیاسی داخلی در این تصمیم مؤثر بود.

از همان ابتدا، آمریکا با اعطای کمک‌های مالی، تسلیحاتی و دیپلماتیک، فرآیند نهادینه‌سازی حاکمیت اسرائیل را تقویت کرد [۷].

از دیدگاه نظریه سازه‌انگاری، هویت اسرائیل به‌عنوان "دولت یهودی لیبرال" با هویت آمریکا در دوران جنگ سرد (به‌عنوان رهبر بلوک دموکراسی‌های غربی) هم‌راستا تلقی می‌شد.

۵-۲-۲ تأثیر ایالات متحده بر سیاست‌های امنیتی و نظامی اسرائیل

آمریکا نه‌تنها تأمین‌کننده اصلی تسلیحات پیشرفته برای ارتش اسرائیل است، بلکه نقش فعالی در تعیین اولویت‌های نظامی، ساختار دفاعی و استراتژی‌های بازدارندگی اسرائیل ایفا می‌کند.

سند همکاری نظامی ۱۰ ساله (Memorandum of Understanding – MoU) در سال ۲۰۱۶، متضمن پرداخت سالانه ۳/۸ میلیارد دلار کمک نظامی تا سال ۲۰۲۸ است [۳۰].

همچنین سامانه‌های پدافندی مانند گنبد آهنی(Iron Dome) ، با مشارکت مستقیم فنی و مالی آمریکا طراحی و پیاده‌سازی شده‌اند. از منظر رئالیسم تدافعی، آمریکا با تقویت توان بازدارنده اسرائیل، توازن قوا در منطقه را به نفع متحد خود حفظ می‌کند و مانع از ورود بازیگران ثالث مانند ایران یا روسیه به معادله منطقه‌ای می‌شود.

۵-۲-۳ هدایت‌گری سیاسی و تأثیرگذاری بر سیاست داخلی اسرائیل

اگرچه اسرائیل دولتی مستقل است، اما آمریکا از طریق ابزارهای سیاسی، رسانه‌ای و مالی، نقش محسوسی در تعیین دولت‌ها و جهت‌گیری‌های آن‌ها ایفا می‌کند:

حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از احزاب راست‌گرا (مانند لیکود) در مقاطع بحرانی

اعمال فشار برای جلوگیری از برخی تصمیمات چالش‌برانگیز (مانند الحاق کامل کرانه باختری در دوره ترامپ)

استفاده از نفوذ لابی آیپک و مسیحیان انجیلی برای ایجاد اجماع در کنگره در جهت حمایت از مواضع دولت‌های خاص اسرائیل [۹].

از دیدگاه نظریه کارگزار– ساختار، اسرائیل به‌رغم وابستگی به حمایت‌های آمریکا، توانسته نقش کارگزاری خود را با هوشمندی حفظ کرده و گاه بر تصمیمات آمریکا تأثیرگذار نیز باشد.

۵-۲-۴ اسرائیل به‌مثابه عامل پیوند سیاست داخلی و خارجی آمریکا

رابطه آمریکا با اسرائیل به یکی از مؤلفه‌های دائمی در مناظرات انتخاباتی، سیاست حزبی و رأی‌سازی در ایالات متحده تبدیل شده است.

حمایت از اسرائیل در بین هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه همواره به‌عنوان "سرمایه سیاسی" مطرح بوده است.

آیپک (AIPAC) به‌عنوان قدرتمندترین لابی حامی اسرائیل، تأثیر گسترده‌ای در تأمین مالی کمپین‌های انتخاباتی، تنظیم لوایح کنگره و شکل‌دهی به گفتمان رسانه‌ای دارد.

کاندیداهای ریاست جمهوری اغلب پیش از انتخابات، مواضع خود را در قبال امنیت اسرائیل به‌صراحت بیان می‌کنند تا پایگاه رأی یهودیان و مسیحیان انجیلی را حفظ کنند[۳۴].

۵-۲-۵ وابستگی متقابل نامتقارن: اسرائیل متحد استراتژیک یا بار امنیتی؟

برخی تحلیل‌گران بر این باورند که رابطه آمریکا و اسرائیل، نوعی وابستگی متقابل نامتقارن است. یعنی:

اسرائیل وابسته به منابع اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک آمریکا است.

اما آمریکا نیز وابسته به اسرائیل برای اجرای سیاست‌های منطقه‌ای، عملیات‌های اطلاعاتی و کنترل تهدیدات است.
نمونه‌های بارز:
کمک اطلاعاتی اسرائیل درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران
نوآوری‌های سایبری در تل‌آویو که در برنامه‌های دفاعی آمریکا کاربرد دارد
استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل برای مقابله با تروریسم جهانی
این رابطه، نوعی همزیستی استراتژیک را شکل داده که فراتر از یک اتحاد سنتی است[۱۳].

جدول۲-جمع‌بندی تطبیقی جایگاه اسرائیل در سیاست ایالات متحده [۱۳]

تحلیل نظری	نمود عینی	مؤلفه
سازه‌انگاری	اقدام فوری ترومن (۱۹۴۸)	به‌رسمیت‌شناسی
رئالیسم تدافعی	MoUو گنبد آهنین	حمایت نظامی
نظریه ساختار-کارگزار	نفوذ آیپک و مسیحیان انجیلی	تأثیر سیاسی
واقع‌گرایی سیاسی	حمایت از احزاب خاص	هدایت‌گری دیپلماتیک
وابستگی متقابل	همکاری سایبری و ضدترور	تبادل اطلاعات امنیتی

۳-۵ کمک‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی ایالات متحده به اسرائیل تحلیل ساختاری، تاریخی و ژئوپلیتیکی

حمایت‌های گسترده ایالات متحده از اسرائیل یکی از منحصربه‌فردترین روابط کمک‌رسانی در سطح جهانی است. از سال ۱۹۴۸ تاکنون، آمریکا بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار کمک رسمی به اسرائیل ارائه داده که بخش اعظم آن نظامی و امنیتی بوده است. این کمک‌ها نه‌تنها نشان‌دهنده پیوند استراتژیک دو کشور است، بلکه بیانگر وابستگی راهبردی اسرائیل به منابع، فناوری و حمایت سیاسی آمریکا نیز هست [۲۷].

۵-۳-۱ کمک‌های نظامی: ستون فقرات همکاری دوجانبه

ایالات متحده اصلی‌ترین تأمین‌کننده تجهیزات نظامی اسرائیل است. کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل شامل موارد زیر است:

کمک‌های مستقیم سالانه: بر اساس توافق‌نامه ۱۰ ساله (MoU) ۲۰۱۶، آمریکا متعهد شده است از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۸ سالانه ۳/۸ میلیارد دلار کمک نظامی به اسرائیل ارائه دهد[۳۰].

این کمک‌ها شامل تجهیزات پیشرفته، جنگ‌افزار، آموزش نظامی و بودجه توسعه سامانه‌های دفاعی است.

سامانه‌های دفاعی پیشرفته: گنبد آهنین(Iron Dome) : برای رهگیری راکت‌های کوتاه‌برد؛ با مشارکت مالی سالانه بیش از ۵۰۰ میلیون دلار از سوی آمریکا.

David's Slingو Arrow : سامانه‌های دفاع موشکی برای تهدیدات میان‌برد و بالستیک؛ با همکاری شرکت‌های آمریکایی و اسرائیلی.

حق استفاده از تجهیزات آمریکایی: اسرائیل به عنوان تنها کشور خاورمیانه مجاز به دسترسی به انبارهای مهمات استراتژیک آمریکا (WRSA-I)در خاک خود است.

طبق نظریه رئالیسم تدافعی، آمریکا از طریق تقویت بازدارندگی اسرائیل، مانع تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به نفع رقبایی چون ایران و سوریه می‌شود[۱۹].

۵-۳-۲ همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی

ارتباط امنیتی آمریکا و اسرائیل از روابط معمول فراتر رفته و به یک اتحاد اطلاعاتی پیشرفته و تبادلی دوسویه تبدیل شده است:

تبادل اطلاعات امنیتی: اسرائیل اطلاعات مهمی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران، حزب‌الله، و تحرکات حماس را با آمریکا به اشتراک می‌گذارد.

در مقابل، آمریکا به اسرائیل در تحلیل داده‌های ماهواره‌ای و حملات سایبری (مانند عملیات مشترکStuxnet) کمک می‌کند[۱۰].

همکاری سایبری: اسرائیل یکی از شرکای اصلی آمریکا در امنیت سایبری دفاعی و تهاجمی است.

سرمایه‌گذاری مشترک در شرکت‌های فناوری اطلاعات نظامی از جمله NSOو Check Point صورت می‌گیرد.

تمرینات نظامی مشترک: رزمایش‌هایی نظیر Juniper Cobra برای هماهنگی استراتژیک در سناریوهای حمله موشکی و تهدیدات مشترک برگزار می‌شود.

طبق تحلیل نظریه اتحاد نهادینه‌شده(Institutional Alliance) ، این رابطه ساختاریافته، فراتر از همکاری موقت و بر مبنای منافع امنیتی ماندگار شکل گرفته است[۳۳].

۵-۳-۳ کمک‌های اقتصادی و مالی

در دهه‌های نخست شکل‌گیری اسرائیل، کمک‌های اقتصادی آمریکا نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌ها داشت. اگرچه این کمک‌ها در سال‌های اخیر کاهش یافته‌اند، اما همچنان از جنبه‌های غیرنظامی فعال هستند:

وام‌های ترجیحی و کمک‌های مالی بلاعوض: در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰، آمریکا سالانه میلیاردها دلار کمک بلاعوض اقتصادی به اسرائیل پرداخت می‌کرد[۲۷].

در حال حاضر، وام‌های کم‌بهره برای توسعه انرژی، آب، کشاورزی هوشمند و پروژه‌های تکنولوژی تخصیص می‌یابد.

حمایت از فناوری و نوآوری: از طریق برنامهBIRD Foundation ، آمریکا در دهها پروژه تحقیقاتی و فناورانه با اسرائیل مشارکت مالی دارد.

مشارکت در توسعه داروهای پیشرفته، تجهیزات پزشکی، هوش مصنوعی و انرژی خورشیدی از مهم‌ترین محورهای این همکاری است.

تضمین صادراتی و تجاری: آمریکا در قالب صندوق تضمین صادراتی (EXIM) به سرمایه‌گذاری اسرائیلی‌ها در پروژه‌های مشترک و صادرات کالاها یارانه می‌دهد[۲۷].

۵-۳-۴ کمک‌های اضطراری و حمایت‌های استثنایی

جدول۳-حمایت‌های اضطراری و استثنایی آمریکا و تعهداتش نسبت به اسرائیل [۲۷]

نوع حمایت فوری	رویداد بحرانی	سال
انتقال هوایی گسترده سلاح و مهمات(Operation Nickel Grass)	جنگ یوم‌کیپور	۱۹۷۳
ارسال فوری بمب‌های هدایت‌شونده دقیق	جنگ با حزب‌الله	۲۰۰۶
کمک ۲۲۵ میلیون دلاری اضطراری برای پر کردن ذخایر گنبد آهنین	عملیات در غزه	۲۰۱۴
تصویب بودجه ویژه در کنگره برای جایگزینی مهمات استفاده‌شده	درگیری با حماس	۲۰۲۳

این اقدامات، نشانگر «تعهد عملیاتی فراتر از دیپلماسی» از سوی آمریکا است.

جدول ۴-تغییرات کمک نظامی آمریکا به اسرائیل ۱۹۸۵–۲۰۲۵ [۲۷]

۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۵	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵
۱/۸ میلیارد دلار	۳/۰ میلیارد دلار	۲/۴ میلیارد دلار	۳/۱ میلیارد دلار	۳/۸ میلیارد دلار	۳/۸ میلیارد دلار (ثابت مانده)

کمک‌های چندلایه، ساختاریافته و بلندمدت آمریکا به اسرائیل، نه‌تنها ابعاد نظامی و امنیتی دارد، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، سایبری و اضطراری نیز وجود دارد. این الگوی حمایتی، اسرائیل را به بالاترین دریافت‌کننده کمک‌های نظامی آمریکا در تاریخ بدل کرده است و جایگاه بی‌رقیبی را در ساختار سیاست خارجی ایالات متحده برای آن تضمین کرده است [۲۷].

۵-۴ تحولات امنیتی منطقه‌ای و حمایت آمریکا از اسرائیل

تحولات امنیتی در خاورمیانه، به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، همواره به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تعیین روابط ایالات متحده و اسرائیل نقش ایفا کرده است. سیاست آمریکا در این حوزه نه‌تنها تابع الزامات ژئوپلیتیکی و منافع استراتژیک خود بوده، بلکه به‌طور مستقیم با پویایی‌های منطقه‌ای، تهدیدهای نوظهور و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای نیز مرتبط بوده است.

۵-۴-۱ جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای

جنگ لبنان (۱۹۸۲ و ۲۰۰۶): ایالات متحده با وجود انتقادهای بین‌المللی از حملات اسرائیل به لبنان، همواره از مواضع دفاعی اسرائیل پشتیبانی کرده و حتی در شورای امنیت سازمان ملل مانع از تصویب قطعنامه‌های ضداسرائیلی شده است.

درگیری‌های غزه: در جریان حملات مکرر اسرائیل به غزه، ایالات متحده معمولاً از حق دفاع اسرائیل حمایت کرده و ارسال کمک‌های نظامی را افزایش داده است. به‌طور خاص، در عملیات‌های «سرب گداخته» (۲۰۰۸)، «ستون دفاعی» (۲۰۱۲) و «نگهبان دیوارها» (۲۰۲۱) نقش حمایتی آمریکا مشهود بود [۱۴–۱۱].

۵-۴-۲ تهدید ایران و محور مقاومت

برنامه هسته‌ای ایران: ایالات متحده با تأکید بر تهدید ایران برای امنیت اسرائیل، سیاست‌های فشار حداکثری را در دوره ترامپ و دیپلماسی محدودکننده را در دوره بایدن دنبال کرده است. اسرائیل یکی از بازیگران اصلی در شکل‌گیری اجماع ضدایرانی در واشنگتن بوده است.

حزب‌الله لبنان و حماس: آمریکا در اسناد رسمی امنیت ملی خود، این گروه‌ها را تهدیدی برای اسرائیل دانسته و کمک‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی متنوعی در اختیار اسرائیل قرار داده تا با این تهدیدات مقابله کند[۱۱].

۵-۴-۳ نقش توافق‌نامه‌های صلح در تقویت موقعیت اسرائیل

پیمان ابراهیم (۲۰۲۰): ایالات متحده با میانجی‌گری بین اسرائیل و کشورهای عربی (امارات، بحرین، مراکش و سودان) توانست نوعی ثبات نسبی ایجاد کند که مستقیماً به سود اسرائیل بود. این توافق‌ها دسترسی اقتصادی و امنیتی اسرائیل به منطقه را گسترش داد.

نقش آمریکا: این توافق‌نامه‌ها به شدت از سوی ایالات متحده هدایت شدند و به‌عنوان یکی از ابزارهای ایالات متحده برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه نیز در نظر گرفته شدند [۱۱].

۵-۴-۴ سامانه دفاعی گنبد آهنین(Iron Dome)

آمریکا از زمان راه‌اندازی این سامانه در سال ۲۰۱۱، بیش از ۲ میلیارد دلار برای توسعه و پشتیبانی مالی آن هزینه کرده است. این سامانه در برابر موشک‌های شلیک‌شده از غزه به اسرائیل عملکرد مهمی ایفا کرده است [۱۱].

۵-۴-۵ تغییر سیاست‌های امنیتی با تغییر دولت‌ها در آمریکا

در دولت‌های جمهوری‌خواه (به‌ویژه ترامپ)، حمایت امنیتی آمریکا از اسرائیل ابعاد پررنگ‌تری داشت و انتقال سفارت به اورشلیم نمونه بارز آن بود. در دولت بایدن، ضمن حفظ حمایت‌های نظامی، تأکید بیشتری بر حفظ ظاهر بی‌طرفی و کاهش تنش‌ها در منطقه دیده می‌شود [۹]. تحولات امنیتی منطقه‌ای همواره بستری برای تقویت روابط راهبردی آمریکا و اسرائیل فراهم کرده‌اند. ایالات متحده با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی، همواره از اسرائیل در برابر تهدیدهای منطقه‌ای حمایت کرده و به‌طور مؤثری موقعیت راهبردی آن را در خاورمیانه تثبیت نموده است.

۵-۵ تحلیل نهایی یافته‌ها

با بررسی دقیق محورها و مستندات ارائه‌شده، می‌توان به تحلیل‌های کلان‌تری درباره اهمیت نقش ایالات متحده در حفظ حیات و امنیت اسرائیل دست یافت:

۵-۵-۱ هم‌پوشانی منافع استراتژیک آمریکا و اسرائیل

یافته‌ها نشان می‌دهند که منافع امنیتی و استراتژیک ایالات متحده و اسرائیل در خاورمیانه، در دهه‌های اخیر همواره هم‌راستا بوده‌اند. آمریکا از اسرائیل به‌عنوان پایگاه غیررسمی و دائمی قدرت در منطقه استفاده کرده و در مقابل، اسرائیل نیز تضمین‌کننده منافع واشنگتن در مواجهه با دشمنان مشترک چون ایران، گروه‌های مقاومت و رقبای منطقه‌ای بوده است [۲۴].

۵-۵-۲ وابستگی متقابل ساختاری

از تحلیل محورهای پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که بین آمریکا و اسرائیل نوعی وابستگی متقابل ساختاری شکل گرفته است؛ به‌گونه‌ای که حمایت‌های سیاسی، نظامی و مالی ایالات متحده نه‌فقط ابزاری تاکتیکی، بلکه بخشی از نهادینه‌سازی نظم سیاسی مطلوب آمریکا در خاورمیانه است.

۵-۵-۳ نقش بی‌بدیل لابی صهیونیستی در تداوم این پیوند

بر پایه داده‌ها، نفوذ عمیق لابی‌های یهودی و صهیونیستی در ساختار قدرت آمریکا باعث شده که رابطه با اسرائیل از هرگونه تغییر اساسی در سیاست خارجی آمریکا مصون بماند. حتی در تغییر دولت‌ها – از جمهوری‌خواه به دموکرات – نیز جهت‌گیری کلان آمریکا در قبال اسرائیل تغییر محسوسی نداشته است [۳۲].

۵-۵-۴ استفاده ابزاری از تحولات منطقه‌ای برای تقویت روابط

آمریکا از تنش‌ها و تحولات منطقه‌ای مانند برنامه هسته‌ای ایران، جنگ‌های غزه، یا منازعات لبنان، به‌عنوان ابزاری برای **افزایش همکاری و وابستگی امنیتی با اسرائیل** بهره برده است. این تاکتیک به واشنگتن امکان داده تا بدون حضور مستقیم نظامی، سیاست‌های منطقه‌ای خود را به کمک اسرائیل پیش ببرد.

۵-۵-۵ نقش فناوری و همکاری نظامی در بسط امنیت اسرائیل

با سرمایه‌گذاری‌های چند میلیارد دلاری در پروژه‌هایی نظیر گنبد آهنین، سامانه پیکان، و پروژه لیزر دفاعی، ایالات متحده عملاً ظرفیت نظامی اسرائیل را به سطحی رسانده که امکان دفاع مؤثر در برابر تهدیدات را داشته باشد. این حمایت‌های فناورانه، نه‌تنها بازدارندگی اسرائیل را افزایش داده، بلکه در بلندمدت آن را به یکی از تولیدکنندگان تسلیحات پیشرفته در سطح منطقه تبدیل کرده است. تمامی شواهد تجربی و تحلیلی مقاله، نشان‌دهنده آن است که ایالات متحده نقش کلیدی و همه‌جانبه‌ای در حفظ موجودیت، امنیت و برتری اسرائیل در منطقه ایفا کرده و می‌کند. این حمایت‌ها نه‌تنها دلایل امنیتی دارند، بلکه ناشی از پیوندهای تاریخی، فرهنگی، اعتقادی، و منافع سیاسی ـ اقتصادی ساختاریافته نیز هستند.

۶- بحث و نتیجه گیری

در این بخش، به‌طور مفصل به تحلیل نقش ایالات متحده در حفظ حیات و امنیت اسرائیل پرداخته می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که رابطه دو کشور صرفاً یک همکاری عادی سیاسی یا نظامی نیست؛ بلکه یک اتحاد استراتژیک چندبُعدی و ساختاریافته است که طی دهه‌ها تثبیت شده است. در این تحلیل، هر یک از ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک به تفصیل بررسی خواهد شد تا تصویر جامع و روشنی از این رابطه شکل گیرد.

۶-۱ تحلیل هم‌پوشانی منافع استراتژیک

یکی از مهم‌ترین ابعاد این رابطه، هم‌پوشانی عمیق و مستمر منافع استراتژیک آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه است. خاورمیانه به دلیل موقعیت جغرافیایی، منابع انرژی، و تنش‌های سیاسی و نظامی، یکی از نقاط کلیدی سیاست خارجی آمریکا به شمار می‌آید. در این چارچوب، اسرائیل به عنوان متحدی قابل اعتماد، پایگاهی غیررسمی و در عین حال دائمی برای قدرت و نفوذ ایالات متحده محسوب می‌شود. این هم‌پوشانی منافع به صورت مستقیم در سیاست‌های آمریکا تجلی یافته است، به گونه‌ای که حفظ امنیت اسرائیل همواره یکی از اولویت‌های سیاست منطقه‌ای واشنگتن بوده است. اسرائیل در مقابل، با برخورداری از حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا، توانسته برتری نظامی و سیاسی خود را در برابر رقبای منطقه‌ای حفظ کند. این رابطه دوجانبه، همچنین موجب تقویت موقعیت آمریکا در مجامع بین‌المللی شده است [۲۴].

۶-۲ وابستگی متقابل ساختاری و نهادینه‌شده

بیش از یک اتحاد سیاسی یا نظامی، رابطه آمریکا و اسرائیل یک وابستگی متقابل ساختاری است که در طول زمان به نهادینه‌ترین شکل خود رسیده است. این وابستگی ساختاری، ناشی از عوامل مختلفی است:

حمایت‌های بی‌وقفه مالی و نظامی ایالات متحده

هماهنگی‌های گسترده در سطح اطلاعاتی و امنیتی

همکاری در پروژه‌های تحقیقاتی و فناوری پیشرفته

این عوامل نه تنها به نفع اسرائیل است، بلکه به ایالات متحده نیز امکان می‌دهد تا کنترل و نفوذ خود را در منطقه حفظ نماید و از بروز هرگونه خلل در نظم منطقه‌ای که به ضرر منافع آمریکا باشد جلوگیری کند. بر این اساس، حمایت آمریکا از اسرائیل به تدریج تبدیل به بخشی از استراتژی کلان و دائمی واشنگتن شده است[۲۸].

۶-۳ نفوذ لابی صهیونیستی و نقش آن در تثبیت رابطه

یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین ابعاد این رابطه، نقش لابی‌های یهودی و صهیونیستی در آمریکا است که به صورت سازمان‌یافته و قدرتمند، در شکل‌دهی سیاست‌های آمریکا در قبال اسرائیل تاثیرگذار بوده‌اند. این لابی‌ها با فعالیت‌های گسترده در حوزه‌های سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی توانسته‌اند

ایجاد حمایت گسترده در کنگره و دولت آمریکا

اثرگذاری بر افکار عمومی و رسانه‌ها

تضمین بودجه‌های نظامی و کمک‌های مالی را تضمین کنند.

تحلیل روندهای سیاست داخلی آمریکا نشان می‌دهد که حتی تغییر دولت‌ها نیز به ندرت موجب تغییرات اساسی در رویکرد آمریکا نسبت به اسرائیل شده است؛ که این موضوع تا حد زیادی مدیون قدرت لابی‌های صهیونیستی است [۲۲].

۶-۴ استفاده ابزاری از تحولات منطقه‌ای

تحولات و بحران‌های منطقه‌ای از جمله برنامه هسته‌ای ایران، درگیری‌های غزه، و تنش‌های لبنان، همواره به عنوان فرصتی برای آمریکا جهت تقویت و تعمیق همکاری‌های امنیتی و نظامی با اسرائیل به کار رفته‌اند. این تحولات به واشنگتن اجازه داده‌اند تا ضمن حفظ منافع خود، به شکل غیرمستقیم و از طریق اسرائیل، سیاست‌های منطقه‌ای خود را دنبال کند. برای نمونه، تنش با ایران باعث افزایش همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی شده و منجر به توسعه سامانه‌های دفاعی پیشرفته شده است که هم امنیت اسرائیل را تضمین می‌کند و هم به آمریکا در مهار نفوذ منطقه‌ای ایران کمک می‌کند [۲۷].

۶-۵ نقش فناوری و همکاری نظامی در بسط امنیت اسرائیل

یکی از شاخص‌ترین نمودهای حمایت آمریکا، سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در حوزه فناوری دفاعی اسرائیل است. پروژه‌هایی مانند گنبد آهنین، سامانه پیکان و سامانه‌های لیزری دفاعی، نمونه‌هایی از همکاری‌های فناورانه پیشرفته میان دو کشور هستند. این پروژه‌ها نه تنها قابلیت دفاعی اسرائیل را به میزان چشمگیری افزایش داده‌اند، بلکه این کشور را در جایگاه تولیدکننده فناوری نظامی در منطقه قرار داده‌اند. این همکاری‌های فناورانه باعث شده است اسرائیل بتواند تهدیدات متنوعی از جمله حملات موشکی و پهپادی را به صورت مؤثری دفع کند و به این ترتیب برتری نظامی خود را حفظ نماید [۲۴].

۶-۶ تأثیر فرهنگی و سیاسی داخلی آمریکا بر تداوم رابطه

رابطه آمریکا و اسرائیل تنها به ابعاد استراتژیک محدود نمی‌شود، بلکه ریشه‌های عمیقی در فرهنگ سیاسی و اجتماعی آمریکا دارد.

حمایت گسترده اقلیت یهودی و صهیونیست در آمریکا

حضور اسرائیل به عنوان مسئله‌ای مورد توجه افکار عمومی

تاثیرات مذهبی و ایدئولوژیکی مرتبط با یهودیت و مسیحیت صهیونیستی

همگی موجب شده‌اند که این رابطه همچنان پایدار و مستحکم باقی بماند و به عنوان بخشی از سیاست رسمی آمریکا تثبیت شود. این پیوند فرهنگی–سیاسی مانع از آن می‌شود که حتی در زمان‌های تنش سیاسی داخلی یا تغییر دولت‌ها، سیاست‌های آمریکا در قبال اسرائیل دچار تغییرات بنیادین شود [۱۵].

۶-۷ ارزیابی نقش آمریکا در چشم‌انداز آینده خاورمیانه

با توجه به روندهای جاری و تحولات منطقه‌ای، می‌توان پیش‌بینی کرد که حمایت آمریکا از اسرائیل در آینده نیز ادامه خواهد یافت. تغییرات ژئوپلیتیکی، ظهور قدرت‌های جدید منطقه‌ای، و تهدیدات نوین امنیتی، همه نشان‌دهنده این هستند که اسرائیل همچنان به عنوان شریک استراتژیک کلیدی آمریکا باقی خواهد ماند. از سوی دیگر، فشارهای بین‌المللی برای بازنگری در سیاست‌های آمریکا نسبت به خاورمیانه و اسرائیل افزایش یافته‌اند، اما ساختار نهادی و وابستگی‌های داخلی به گونه‌ای است که تغییرات اساسی را دشوار می‌سازد [۲۴-۱۷].

۷- نتیجه گیری کلی

با مرور کلی یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که ایالات متحده آمریکا نقش حیاتی و همه‌جانبه‌ای در حفظ امنیت، موجودیت و برتری سیاسی–نظامی اسرائیل در خاورمیانه ایفا می‌کند. این نقش در قالب‌های متعددی از جمله حمایت‌های نظامی–فناورانه، تامین مالی، پشتیبانی سیاسی–دیپلماتیک، و نیز تأثیرگذاری‌های فرهنگی و ساختاری ظهور یافته است.

نخست، حمایت‌های نظامی و فناورانه آمریکا اسرائیل را قادر ساخته‌اند تا در مقابل تهدیدات متعدد منطقه‌ای، از جمله حملات موشکی و فعالیت‌های گروه‌های مسلح مقاومت، بازدارندگی مؤثری ایجاد کند و به عنوان یک قدرت برتر در منطقه باقی بماند.

دوم، پیوندهای تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک میان دو کشور، زمینه را برای استمرار و تعمیق این رابطه فراهم کرده است. این پیوندها نه تنها در سطح سیاست‌گذاری، بلکه در میان افکار عمومی و لایه‌های مختلف جامعه آمریکا نیز نهادینه شده‌اند.

سوم، لابی‌های صهیونیستی در آمریکا نقش کلیدی در تضمین ادامه حمایت‌های مالی و سیاسی داشته‌اند و باعث شده‌اند که حتی در شرایط تغییر دولت‌ها، رویکرد آمریکا نسبت به اسرائیل ثابت بماند.

چهارم، تحولات منطقه‌ای مانند برنامه هسته‌ای ایران و بحران‌های متناوب در فلسطین و لبنان، ابزارهای کارآمدی برای آمریکا جهت تقویت همکاری‌های امنیتی و سیاسی با اسرائیل فراهم آورده‌اند.

در نهایت، رابطه آمریکا و اسرائیل نمونه بارزی از اتحاد استراتژیک چندوجهی است که منافع مشترک، ساختارهای نهادی، و شرایط ژئوپلیتیکی را در هم آمیخته و به هر دو کشور امکان می‌دهد تا نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده خاورمیانه ایفا کنند.

با توجه به مباحث مطرح‌شده در مقاله، می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

نقش آمریکا در حیات و امنیت اسرائیل نه‌فقط حیاتی بلکه ساختاری است.

امنیت اسرائیل بخشی جدایی‌ناپذیر از دکترین امنیت ملی ایالات متحده شده است.

رابطه این دو بازیگر به‌گونه‌ای سازمان‌یافته، چندلایه و چندبعدی طراحی شده که استمرار آن در آینده نیز محتمل است.

در عین حال، این رابطه پیامدهایی منفی برای ثبات منطقه، عدالت بین‌المللی و وجهه ایالات متحده به همراه داشته است.

منابع

- باقری، س. ه.، و ساعی، ع. (۱۳۹۵). تحلیل نقش لابی صهیونیستی در سیاست خارجی آمریکا. فصلنامه مطالعات آمریکای شمالی، ۱۹(۱)، ۱–۳۰.
- کریمی، س.، و محمدی، ع. (۱۳۹۸). جایگاه اسرائیل در راهبرد امنیت ملی ایالات متحده. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۳(۲)، ۶۷–۹۰.
- محمودی، م.، و شریفی، ن. (۱۴۰۰). کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل و تأثیر آن بر توازن قدرت در خاورمیانه. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۲۸(۴)، ۵۵–۸۰.
- Adler, E. (2005). "Communitarian International Relations: The Epistemic Foundations of International Relations." Routledge.
- AIPAC. (2024). *Annual Policy Conference Report*. Retrieved from https://www.aipac.org/
- Ben-Meir, A. (2021). Israel's Influence on U.S. Middle East Policy. Foreign Affairs Review.
- Ben-Zvi, A. (2018). The United States and Israel: The Limits of the Special Relationship. Routledge.
- Bergman, R. (2018). Rise and Kill First: The Secret History of Israel's Targeted Assassinations. Random House.
- Byman, D. (2023). Israel’s Strategic Value to the United States: A Reassessment. *Foreign Affairs*, 102(1), 45–58.
- Clarke, R. A., & Knake, R. K. (2021). Cyber War: The Next Threat to National Security and What to Do About It.
- Congressional Research Service. (2024). *U.S. Foreign Aid to Israel* (CRS Report No. RL33222). Retrieved from https://crsreports.congress.gov
- Feldman, N. (2019). Why the U.S. Will Always Support Israel. Bloomberg Opinion. https://www.bloomberg.com
- Freilich, C. (2020). Israel and the United States: Unequal Allies in a Turbulent Region. Columbia University Press.
- Friedman, T. L. (2021). “Israel’s Way Is Not the American Way.” The New York Times.
- Fulton, J. (2022). *Iran’s Regional Influence and the U.S. Response*. Atlantic Council.
- Indyk, M. (2020). Master of the Game: Henry Kissinger and the Art of Middle East Diplomacy.
- International Institute for Strategic Studies (IISS). (2024). *The Military Balance 2024*. London: Routledge.
- Koplow, M. (2020). Israel’s Centrality in U.S. Middle East Policy. Israel Policy Forum. https://www.israelpolicyforum.org
- Mearsheimer, J. J., & Walt, S. M. (2022). *The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy* (Updated ed.). New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Mearsheimer, J., & Walt, S. (2007). The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy. Farrar, Straus and Giroux.
- Nasr, V. (2021). *The Middle East in U.S. Grand Strategy*. Brookings.
- Pew Research Center. (2023). *U.S. Public Opinion on Israel and the Middle East*. Retrieved from https://www.pewresearch.org/
- Quandt, W. B. (2005). Peace Process: American Diplomacy and the Arab-Israeli Conflict Since 1967. University of California Press.
- Ross, D. (2023). *Be Strong and of Good Courage: How Israel's Leaders Shaped Its Destiny* (2nd ed.). New York: PublicAffairs.
- Rubin, M. (2019). *Trump, AIPAC, and the Exit from the JCPOA*. Foreign Policy Research Institute.
- Schanzer, J. (2021). The U.S.-Israel Alliance: Bolstering Israel’s Qualitative Military Edge. Foundation for Defense of Democracies. https://www.fdd.org
- Sharp, J. M. (2023). *Israel: Background and U.S. Relations* (CRS Report No. R44245). Congressional Research Service. Retrieved from https://crsreports.congress.gov
- Telhami, S. (2022). “America’s Israel Policy: Domestic Politics and Global Implications.” *Brookings Institution*. Retrieved from https://www.brookings.edu/
- Truman Library. (2020). Recognition of Israel. https://www.trumanlibrary.gov
- U.S. Department of State. (2024). Bilateral Relations Fact Sheet: Israel–United States. Retrieved from https://www.state.gov/.
- UN Watch. (2023). *U.S. Vetoes at the UN Security Council: A Record of Israel Protection*.
- United Nations. (2023). *UN Reports on the Situation in the Occupied Palestinian Territory*. Retrieved from https://www.un.org/
- Walt, S. M. (2023). Taming American Power: The Global Response to U.S. Primacy. Harvard University Press.
- Waxman, D. (2023). “The Two-Level Game: American Domestic Politics and Support for Israel.” *Journal of International Affairs*, 76(2), 113–134.